

زنان قاجار و آموزش عمومی

قصد داریم از نگاه تاریخ اندیشه به مدارس دخترانه نگاه کنیم. در این نگاه مدرسه از یک کالبد فیزیکی و از تعلیم به عنوان ابزار سیاست به یک موضوع فرهنگی تبدیل می شود.

▼ در ابتدا شاهد نهی شدید علما از مدارس دخترانه هستیم. به این سادگی نبود که علما با هر امر جدیدی مثل مدارس با استناد به روایات مخالفت شدید کنند. مواردی بوده که تجدد توسط جامعه دین دار پذیرفته و قرائت بومی از آن شده بود. باید بررسی کنیم این مدارس چه دلالت های اجتماعی داشته است؟

▼ تصور این بود که مدارس سبک زندگی اروپایی و مسیحیت را ترویج می کنند و ضد حجاب اند. علت این تصور چه بوده؟ از قبل از سلطنت ناصر الدین شاه شاهد مدارس اروپایی در ایران هستیم (به خصوص فرانسوی) در این مدارس همان چیزی که در اروپا آموزش داده میشد بعضا توسط معلمان خارجی آموزش داده می شد. در ابتدا هم فقط مخصوص مسیحیان مقیم ایران بود اما پس از مدتی برخی از اشراف زادگان هم دختران خود را به این مدارس فرستادند. خروجی این مدارس هم بعدا شد کسانی که انجمن ها و مجلات زنان را پایه گذاری کردند. با توجه به این پیشینه مخالفت علما با مدارس دخترانه معقول است.

▼ پس از مدتی کم کم خانم هایی با دغدغه تربیت دینی، مدرسی را تاسیس کردند که در آن ها قرآن و متون دینی آموزش داده می شد. چه شد که مدارس توسط جامعه دینی هضم شد؟ نقطه عطف اینجاست که تا قبل از این، مدارس در راستای تجدد تصور می شدند و از طرفی دغدغه ای وجود داشت که در آینده به جامعه اسلامی متجدد برسیم و این آینده نیاز به تربیت انسان داشت. بهترین افراد برای این تربیت این نسل مادران اند. این مادران هم خودشان باید برای این کار تربیت شده باشند. با توجه به این موارد آموزش دختران معنای دیگری پیدا کرد. اینطور شد که علما هم از این مدارس حمایت کردند. هرچند برخی علما هم بودند که مخالفت می کردند به استناد برخی روایات و ... که به نظر این نوع مخالفت چندان عقلانی نیست. البته نگرانی برخی علما رفت و آمد دختران در جامعه و ناامنی اجتماع بود که با توجه به امنیت در آن عصر منطقی به نظر می رسد.

▼ از این موضوع و روندی که طی کرده می توان یک الگوی کلی درآورد که در مسائل دیگر حتی تا به امروز هم ادامه دارد. در مواجهه با یک موضوع مدرن با همه متعلقات مدرنش جامعه دین دار ایرانی در ابتدا مخالفت هایی به خاطر دلالت های ایجاد شده می شود. بعد مدتی تبدیل به تردید هایی می شود و در ادامه حذف می شود. با توجه به این الگو می توانیم روندی برای مواجهه خودمان با تجدد ایجاد کنیم و زمان کمتری را از دست بدهیم.